



سال دوازدهم • بهار و تابستان ۱۴۰۵ • شماره ۲۴

Biannual Journal of Islamic Psychology

Vol. 12, No. 24, Spring & Summer 2026

الگوی فرایندی رشد متعالی قرآن بنیان: تحلیل محتوای کیفی

محمدتقی عابدی *

محمد جواد حمزه پور **

حسین مهدوی نیک ***

doi 10.22034/psy.2026.52361.1535

چکیده

هدف این پژوهش، تبیین الگوی فرایندی رشد متعالی قرآن بنیان بر اساس تحلیل نظام‌مند آیات قرآن کریم بود. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به روش تحلیل محتوای متعارف هسیه و شانون (۲۰۰۵) انجام شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 2020 تحلیل شدند. در مرحله نخست، ۲۸ مفهوم اولیه مرتبط با رشد متعالی شناسایی شد؛ سپس از میان بیش از ۱۴۰۰ مستند قرآنی، ۲۰۰ آیه پس از غربالگری مفهومی وارد فرایند تحلیل شدند. تحلیل استقرایی داده‌ها به استخراج ۱۹۰ کد اولیه، ۸۱ زیرمقوله، ۲۹ مؤلفه و شش مقوله اصلی شامل زمینه‌سازها، عوامل علی، مؤلفه‌های هسته‌ای رشد، نشانگان رشد، راهبردهای تحقق رشد و پیامدها انجامید. یافته‌ها نشان داد که رشد متعالی، فرایندی پویا، تدریجی و تعاملی است که در بستر ارتباط انسان با خداوند شکل می‌گیرد و از طریق تعامل میان اراده انسانی، هدایت الهی، انتخاب آگاهانه و تلاش مستمر تداوم می‌یابد. این فرایند در ابعاد شناختی، اخلاقی، رفتاری و معنوی متجلی می‌شود و در نهایت به تعادل روانی، تعالی معنوی و خیر جمعی می‌انجامد. الگوی پیشنهادی می‌تواند مبنایی برای طراحی ابزارهای سنجش، بسته‌های آموزشی و مداخلات تربیتی و روان‌شناختی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: رشد متعالی، تحلیل محتوا، قرآن بنیان، روان‌شناسی اسلامی.

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

** دانشجوی دکتری روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

*** دکتری روان‌شناسی، جامعة المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول: h.mahdavinik184@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷

مقدمه

در دهه‌های اخیر، رشد به‌عنوان مفهومی چندبعدی و فرایندی در ادبیات علمی مورد توجه گسترده قرار گرفته است (آلبینو^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). این مفهوم به تغییرات منظم و نسبتاً مداوم در ساخت‌های جسمی و عصب‌شناختی، فرایندهای تفکر و الگوهای رفتاری از انعقاد نطفه تا زمان مرگ اشاره دارد و دربرگیرنده ابعاد گوناگونی همچون جسمانی، شناختی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و متعالی است (ویدمن و چوپیک، ۲۰۲۳^۲؛ کودیریوا، ۲۰۲۴^۳؛ کوزلوا^۴ و همکاران، ۲۰۲۴؛ فازان^۵ و همکاران، ۲۰۲۵). بعد جسمانی که به تغییرات کمی و کیفی در ساختارهای بدنی و مهارت‌های حرکتی می‌پردازد، در چارچوب مدل‌های بلوغ زیست‌شناختی و تأکید بر تعامل وراثت و محیط مورد بررسی قرار می‌گیرد (ملیک و مارواها، ۲۰۲۵). رشد شناختی^۶ به‌عنوان فرآیند کسب کارکردهای ذهنی مانند تفکر و استدلال، عمدتاً با الگوهای جهانی‌ای چون مراحل تحول پیاژه^۷ (۱۹۵۲) و نیز با الگوهای بومی تطبیقی و حتی الگوی مفهومی «رشد خود» مبتنی بر حکمت ایرانی - اسلامی تبیین می‌شود (موسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ قربان‌پور لقمجانی، ۱۴۰۲). بعد هیجانی با محوریت توانایی شناسایی، تنظیم و بیان هیجان‌ها، در مکاتب روان‌شناسی جهانی بر اساس نظریه دلبستگی^۸ بالبی^۹ (۱۹۶۹) و در بستر ایران با اتکا بر الگوهای بازی درمانی و مبانی اسلامی برای پرورش عواطف مطالعه شده است (ناظری و همکاران، ۱۴۰۴؛ خادکا، ۲۰۲۲^{۱۱}). رشد اجتماعی متضمن کسب مهارت‌ها و نقش‌های لازم برای تعامل مؤثر است که در ادبیات جهانی با نظریه روانی - اجتماعی اریکسون^{۱۲} (۱۹۶۸) و در پژوهش‌های داخلی در قالب مدل‌های اجتماعی - فرهنگی با تأکید بر نهاد خانواده و مدرسه تحلیل می‌شود (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶). بعد اخلاقی به تحول قضاوت و رفتار مبتنی بر تمایز درست از نادرست مربوط می‌شود و الگوهای شاخصی چون مراحل رشد اخلاقی کلبرگ^{۱۳}



۱۲۰

پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی
بهار و تابستان ۱۴۰۵

1. Albano, G.
2. Weidmann, R. & Chopik, W. J.
3. Qodirova, O. M.
4. Kozlova, A.
5. Fazan, V.
6. Malik, F. & Marwaha, R.
7. Cognitive Development
8. Piaget, J.
9. Attachment Theory
10. Bowlby, J.
11. Khadka, C.
12. Erikson, E. H.
13. Kohlberg, L.

(۱۹۸۱) در سطح جهانی و در پژوهش‌های ایرانی، مدل‌های بومی تلفیقی از فراشناخت و شناخت اجتماعی را برای تبیین آن به کار گرفته‌اند (عبدالمی، ۱۳۹۸). در نهایت، بعد متعالی که فراتر از کارکردهای معمول، جست‌وجوی معنا، کمال و ارتباط با حقیقتی برتر را دنبال می‌کند، در روان‌شناسی مثبت‌نگر غربی با مفاهیمی چون خودشکوفایی^۱ و در پارادایم فکری ایران با الگوهای مبتنی بر متون اسلامی و عرفانی، مانند «الگوی مفهومی رشد خود» برگرفته از آثار مولوی و نیز مفهوم «رشد متعالی» صورت‌بندی شده است (موسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ دهقانی شورکی، ۱۴۰۳).

در میان این ابعاد، رشد متعالی به عنوان یکی از ابعاد کلیدی تحول انسان، در فرآیندهای رشد فردی و اجتماعی نقش بسزایی ایفا می‌کند. رشد متعالی، فراتر از نیازهای زیستی و مادی قرار دارد و به عنوان یک مرحله پیشرفته از خودآگاهی و معنویت شناخته می‌شود. در واقع، رشد متعالی به انسان‌ها این امکان را می‌دهد که از سطوح عادی وجود خود عبور کرده و به سمت کمال وجودی حرکت کنند. این مفهوم نه تنها به درک عمیق‌تری از خود و جهان پیرامون کمک می‌کند، بلکه به

توسعه ارزش‌ها و اهداف معنوی نیز می‌انجامد (تیک، ۲۰۱۹^۲). این نوع رشد، دارای فرایندی ارادی و هدفمند است که در آن همه ابعاد وجودی انسان در مسیری هماهنگ به سوی کمال حرکت می‌کنند و ویژگی‌هایی همچون تحولی بودن، پایداری، دوسویگی و بی‌نهایت بودن در آن مشاهده می‌شود (دهقان شورکی، ۱۴۰۳). افزون بر این، پژوهش‌های معاصر نشان داده‌اند که رشد متعالی می‌تواند زمینه‌ساز معناجویی، خودشناسی، نوع‌دوستی و ادراک عمیق‌تر نسبت به جهان باشد (گراسیمو^۳ و همکاران، ۲۰۲۳؛ کازلی، ۲۰۲۳^۴). در متون دینی، به ویژه در قرآن کریم، رشد متعالی به عنوان فرایندی پویا و مستمر معرفی می‌شود که از رهگذر هدایت الهی، انتخاب مسئولانه و تلاش آگاهانه انسان تحقق می‌یابد و او را در مسیر کمال و قرب الهی قرار می‌دهد؛ چنان‌که قرآن کریم بر نقش مجاهدت در دستیابی به هدایت (عنکبوت: ۶۹)^۵، ضرورت حرکت مستمر در مسیر کمال (انشقاق: ۶)^۶ و پیوند میان ایمان، عمل صالح و دستیابی به حیات طیبه (نحل: ۹۷)^۷ تأکید کرده است.

1. Self-actualization

2. Tekke, M.

3. Gerasimova, I. A.

4. Cazelli, F.

۵. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» ۶. «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»

۷. «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً»

اگرچه مفهوم رشد انسان از دیرباز در اندیشه‌های فلسفی و تربیتی مورد توجه بوده است، در روان‌شناسی معاصر به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین حوزه‌های مطالعاتی، در قالب شاخه‌ای مستقل با عنوان «روان‌شناسی رشد» تبیین و گسترش یافته است (سانتروک^۱، ۲۰۲۰). در منابع اسلامی نیز آثار متعددی به تبیین ابعاد مختلف رشد، مراحل تحول و دلالت‌های تربیتی آن پرداخته‌اند (سقای بی‌ریا و همکاران، ۱۳۷۵؛ حقانی، ۱۳۹۶؛ بستانی، ۱۳۸۷؛ قائمی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴). بااین‌حال، این مطالعات عمدتاً بر ابعاد عمومی رشد، مراحل تحول یا رویکردهای تربیتی متمرکز بوده‌اند و کمتر به رشد متعالی به‌عنوان یک سازه مستقل و متمایز پرداخته‌اند.

در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران به ابعاد معنوی و متعالی رشد افزایش یافته است. نوروزی و کوهی اصفهانی (۱۳۹۲)، با تبیین مفهوم «انسان متعالی» بر پایه آموزه‌های قرآنی، دستیابی به مقام خلیفه‌اللهی را غایت رشد انسان دانسته‌اند. وجدانی و ایمانی (۱۳۹۲) نیز با تحلیل مفهومی واژه «رشد» در قرآن، از طریق بررسی سیاق، مفاهیم متضاد و شبکه معنایی، نشان داده‌اند که رشد در قرآن فراتر از ابعاد زیستی و روان‌شناختی متعارف است.

در ادامه این مسیر، حسینی رامندی (۱۴۰۰) با تمرکز بر رشد عاطفی در قرآن، برخی نشانه‌های تحول معنوی و اخلاقی را تبیین کرده و رشد عاطفی را در پرتو آموزه‌های قرآنی، زمینه‌ساز گرایش به فضایل و دوری از رذایل دانسته است. همچنین کاویانی (۱۳۹۸) در کتاب روان‌شناسی در قرآن، تنها در یک فصل با اشاره به کلیات رشد متعالی بر ظرفیت آموزه‌های قرآنی برای تبیین ابعاد متعالی تحول انسان تأکید کرده است. دهقانی شورکی (۱۴۰۳) در پژوهش «مفهوم رشد متعالی و نسبت آن با سایر جنبه‌های تحولی انسان»، با رویکردی مفهوم‌شناختی، رشد متعالی را به‌عنوان یکی از ابعاد متمایز تحول انسانی معرفی کرده و نسبت آن را با سایر جنبه‌های تحولی تبیین نموده است. با وجود اهمیت این پژوهش‌ها بیشتر آنها عمدتاً بر مفهوم‌شناسی، تبیین نظری یا بررسی نسبت رشد متعالی با سایر ابعاد تحول انسانی بوده است و کمتر به فرایند پرداخته‌اند. افزون بر این، بسیاری از مطالعات موجود یا به توصیف‌های کلی و انتزاعی بسنده کرده‌اند یا تنها به بخشی از ابعاد شناختی، اخلاقی یا معنوی آن پرداخته‌اند و بنابراین نتوانسته‌اند چارچوبی منسجم برای تبیین سازوکارهای تحول متعالی ارائه دهند (نپال، ۲۰۱۹؛^۲ ساندرز و استیکر،^۳ ۲۰۲۰).

1. Santrock, J. W.

2. Nepal, M.

3. Saunders, J. & Sticker, M.

در ادبیات روان‌شناسی نیز هرچند به نقش تجربه‌های تعالی (دیلان،^۱ ۲۰۲۵)، معنویت (کونیک،^۲ ۲۰۲۴)، خودآگاهی عمیق (لندن^۳ و همکاران، ۲۰۲۲) و فراوری از سطح عادی وجود انسان (وورث^۴ و اسمیت،^۵ ۲۰۲۱) در ارتقای سلامت روان، معناجویی، تاب‌آوری و تحول شخصیت تأکید کرده‌اند، اما این مطالعات عمدتاً بر توصیف ابعاد، پیامدها و تجربه زیسته تعالی متمرکز بوده و کمتر به تبیین سازوکارها، مراحل و چگونگی شکل‌گیری رشد متعالی پرداخته‌اند.

مرور نظام‌مند پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود، چه در ادبیات روان‌شناسی و چه در مطالعات اسلامی، بیشتر ناظر به تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و پیامدهای رشد متعالی بوده‌اند و کمتر به بازسازی فرایند تحول و روابط میان عوامل مؤثر بر آن توجه کرده‌اند؛ در نتیجه، تا کنون الگوی فرایندی جامع و داده‌بنیانی که بتواند چگونگی شکل‌گیری و تحول رشد متعالی را به صورت منسجم تبیین کند، ارائه نشده است.

این خلأ در حوزه مطالعات قرآنی برجسته‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا با وجود تأکید قرآن کریم بر هدایت الهی (انسان: ۳)، انتخاب مسئولانه انسان (کهف: ۲۹)، تلاش مستمر در مسیر کمال (عنکبوت: ۶۹) و ارتقای تدریجی مراتب وجودی انسان (مجادله: ۱۱)، تا کنون پژوهشی که بتواند این مسیر را در قالب یک الگوی فرایندی و با بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد بر اساس تحلیل نظام‌مند آیات بازسازی کند، به صورت جامع انجام نشده است.

از این رو خلأ یک مدل مرحله‌مند، تبیین‌گر سازوکارهای تحول و مستند به داده‌های قرآنی، همچنان به عنوان شکاف اصلی این حوزه باقی است. پژوهش حاضر درصدد است با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، این خلأ را پوشش داده و الگویی فرایندی و قرآن‌بنیان از رشد متعالی ارائه کند.

روش تحقیق

با توجه به هدف اصلی این پژوهش مبنی بر تبیین الگوی فرایندی رشد متعالی قرآن‌بنیان، مطالعه حاضر در چارچوب پژوهش کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی متعارف^۶ انجام شد. تحلیل

1. Dhillon, J.

2. Koenig, H. G.

3. London, M.

4. Worth, P.

5. Smith, M. D.

6. Conventional Content Analysis

محتوای کیفی، روشی نظام‌مند برای تفسیر و سازمان‌دهی داده‌های متنی است که از طریق فرایند کدگذاری، طبقه‌بندی و استخراج مضامین، به شناسایی الگوهای معنایی و روابط مفهومی می‌پردازد (سیه و شانون،^۱ ۲۰۰۵). در رویکرد متعارف، مقوله‌ها و کدهای اولیه نه بر اساس چارچوب‌های نظری از پیش تعیین‌شده، بلکه مستقیماً از متن و در جریان تحلیل داده‌ها استخراج می‌شوند.

جامعه متنی پژوهش شامل تمامی آیات قرآن کریم مرتبط با مفاهیم رشد، هدایت و تعالی انسان بود. متون تفسیری منتخب نیز صرفاً به‌عنوان منابع کمکی برای تبیین و فهم دقیق‌تر دلالت‌های آیات به‌کار گرفته شدند. به‌منظور گردآوری داده‌ها، از نرم‌افزار جامع التفسیر نسخه ۳ استفاده شد تا دامنه‌ای گسترده از منابع تفسیری معتبر در تحلیل قرار گیرد. داده‌های تفسیری از تفاسیر منتخب شامل المیزان فی تفسیر القرآن، البرهان فی تفسیر القرآن، جوامع الجامع، تفسیر نور، احسن‌الحديث و تفسیر نمونه استخراج گردید. انتخاب این تفاسیر بر اساس معیارهای اعتبار علمی، تنوع رویکردهای تفسیری و توجه به ابعاد تربیتی، انسان‌شناختی و تحولی آیات صورت گرفت. هر واحد معنایی مشتمل بر تبیین ابعاد رشد متعالی، به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شد و بر اساس محتوای مفهومی و تفسیری، کدگذاری و طبقه‌بندی گردید (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳).

پژوهش حاضر در قالب طرح متوالی اکتشافی انجام شد؛ به‌گونه‌ای که گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی، مقدم بر ارزیابی کمی روایی محتوایی قرار گرفت. مراحل پژوهش در سه گام انجام شد: ۱. شناسایی آیات و گزاره‌های تفسیری مرتبط با رشد متعالی و استخراج واحدهای معنایی؛ ۲. کدگذاری و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی؛ ۳. ارزیابی و تأیید روایی محتوایی یافته‌ها با استفاده از شاخص نسبت روایی محتوا (CVI).

در گام نخست، به‌منظور شناسایی دقیق واحدهای معنایی مرتبط با رشد متعالی، از ظرفیت معناشناسی زبانی بهره گرفته شد. نظریه «حوزه‌های معنایی» از رویکردهای بنیادین واژه‌شناسی است که بر اساس آن، اشتراک واژگان در ویژگی‌های معنایی، زمینه‌ساز طبقه‌بندی آنها در یک حوزه مفهومی مشترک می‌شود (وندربالس، ۲۰۰۸، به نقل از: شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳). روش معناشناسی زبانی نیز بر دو پایه «تحلیل مؤلفه‌ای» و «معناشناسی ساخت‌گرا» استوار است (لیونز،^۲ ۲۰۰۹، به نقل

1. Hsieh, H.-F. & Shannon, S. E.

2. Lyons, J.

از: نوری و همکاران، ۱۳۹۵). در تحلیل مؤلفه‌ای، روابط مفهومی از طریق مؤلفه‌های سازنده معنا بررسی می‌شود و در معناشناسی ساخت‌گرا، سازوکارهایی همچون هم‌معنایی، چندمعنایی، تقابل معنایی، انتقال معنایی، حوزه واژگانی و شمول معنایی برای فهم و تبیین معنا به‌کار گرفته می‌شوند (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳).

بهره‌گیری از این رویکرد، صرفاً با هدف تسهیل شناسایی و تفسیر واحدهای معنایی مرتبط با رشد متعالی انجام شد و نقش آن محدود به مرحله گردآوری و سازمان‌دهی اولیه داده‌ها بود. حاصل این فرایند، شناسایی ۲۸ مفهوم اولیه مرتبط با رشد متعالی بود.

در گام دوم، داده‌های استخراج‌شده با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی متعارف تحلیل شدند (سیه و شانون، ۲۰۰۵). به‌منظور افزایش دقت و عمق داده‌ها، از روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ استفاده شد که بر اساس معیار ارتباط مفهومی و غنای محتوایی، ۱۴۰۰ مستند قرآنی برای تحلیل انتخاب شدند.

فرایند تحلیل داده‌ها به‌صورت نظام‌مند و در چند مرحله انجام گرفت: در مرحله نخست، واحدهای معنایی مرتبط با رشد متعالی شناسایی و کدهای اولیه از متن آیات و تفاسیر استخراج شدند؛ سپس کدهای مشابه بر اساس اشتراک‌های مفهومی و معنایی با یکدیگر مقایسه، دسته‌بندی و در قالب زیرمقوله‌ها سازمان‌دهی شدند؛ در ادامه، با تحلیل روابط میان زیرمقوله‌ها، مقوله‌های اصلی شکل گرفتند و الگوی فرایندی رشد متعالی قرآن‌بنیان بازسازی شد. در طول فرایند تحلیل، به‌منظور افزایش دقت و انسجام یافته‌ها، یادداشت‌های تحلیلی و تأملات پژوهشگر درباره روابط میان کدها و مقوله‌ها به‌صورت مستمر ثبت و بازبینی شد.

نتیجه این فرایند، استخراج ۱۹۰ کد اولیه، ۸۱ زیرمقوله و ۲۹ مؤلفه بود که در نهایت در قالب شش مقوله اصلی شامل «زمینه‌سازها»، «عوامل مؤثر»، «مؤلفه‌های هسته‌ای رشد»، «نشانه‌گان رشد»، «راهبردهای تحقق رشد» و «پیامدها» سازمان‌دهی شدند. بر اساس روابط میان این مقوله‌ها، الگوی فرایندی رشد متعالی قرآن‌بنیان تدوین و تبیین گردید.

در مرحله نهایی، برای اعتبارسنجی مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده، از شاخص روایی محتوایی^۲ (CVI) استفاده شد. این شاخص، به‌عنوان ابزار ارزیابی انطباق یافته‌ها با محتوای نظری،

1. Purposeful Sampling

2. Content Validity Index

یافته‌ها

توسط شولتز و همکاران (۲۰۰۶، به نقل از: رفیعی‌هنر، ۱۳۹۰، ص ۴۴۳) معرفی شده است. در این پژوهش، ۹ نفر از متخصصان روان‌شناسی و علوم اسلامی با ملاک ورود «درس خارج در حوزه و دکتری تخصصی روان‌شناسی» در ارزیابی یافته‌ها مشارکت داشتند تا اشراف هم‌زمان بر هر دو حوزه میسر شود. هریک از کارشناسان میزان ارتباط مفاهیم با مبانی دینی را در مقیاس چهاردرجه‌ای از ۱ («غیرمرتبط») تا ۴ («کاملاً مرتبط») ارزیابی کردند. شاخص CVI از تقسیم تعداد کارشناسانی که نمره ۳ یا ۴ داده‌اند بر کل کارشناسان محاسبه شد. بر اساس ملاک فتحی آشتیانی و همکاران (۱۳۹۵، ج ۲، ص ۷)، حداقل مقدار قابل قبول ۷۹/۰ در نظر گرفته شد.

نتایج تحلیل نشان داد که تمامی مقوله‌ها دارای «CVI» بالاتر از حداقل معیار هستند ($CVI = 0.95$)؛ از این رو روایی محتوایی مدل تأیید شد. تلفیق داده‌ها با دیدگاه‌های تفسیری و روان‌شناختی در این مرحله، منجر به تثبیت الگوی جامع از رشد متعالی قرآن‌بنیان شد که ابعاد آن از زمینه تا پیامد را در یک ساختار فرایندی و منسجم دربر می‌گیرد.

تحلیل مفاهیم ساده و تک‌بعدی آسان است، اما مفاهیم مرکب مانند «رشد متعالی» به سبب درهم‌تنیدگی لایه‌های معنایی، نیازمند واکاوی چندسطحی‌اند. در این پژوهش، با تکیه بر معناشناسی تطبیقی در منابع لغوی فارسی، عربی و انگلیسی، مؤلفه‌های «رشد» و «متعالی» به صورت رفت و برگشتی تحلیل و معنای جامع قرآنی آن بازسازی شد. در آموزه‌های قرآنی، رشد متعالی در پیوندی عمیق با مفاهیمی چون هدایت، ایمان، غی و ضلالت مطرح می‌شود. واژه «رشد» در قرآن به معنای حرکت به سوی صلاح و استواری در مسیر حق آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۵۳) و در برابر آن، «غی» و «ضلالت» به انحراف از مسیر هدایت اشاره دارند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۴). در آیه «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶)، این دو مفهوم به طور تقابلی بیان شده‌اند تا مرز میان هدایت و انحراف روشن گردد. تفسیر قرشی، رشد را نه تنها هدایت‌یافتگی، بلکه استمرار در مسیر حق و شکوفایی استعدادهای فطری انسان می‌داند (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۰۰). بدین سان، هدایت الهی شرط لازم برای رشد متعالی است، اما رشد متعالی فراتر از هدایت قرار می‌گیرد؛ زیرا در آن، هدایت در ساحت وجودی انسان متحقق می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۷۶). ایمان نیز پیش‌نیاز این مسیر است، ولی تنها زمانی معنا می‌یابد که

به تحول درونی و هماهنگی شخصیت بینجامد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۳). در مقابل، غی و ضلالت، چنان‌که فیومی یادآور می‌شود، مانع رشد و زمینه‌ساز سقوط اخلاقی و انقطاع از هدایت الهی‌اند (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۷). در نتیجه، رشد متعالی مفهومی جامع و پویاست که با اتکا به هدایت و ایمان، انسان را از غی و ضلالت دور کرده و در مسیر کمال وجودی و قرب الهی قرار می‌دهد (انبیاء: ۵۱؛ کهف: ۲۴).

داده‌های پژوهش پس از ورود به نرم‌افزار «MAXQDA»، در سه مرحله پی‌درپی کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. این فرایند به صورت پویا و مقایسه‌ای انجام گرفت تا روابط درونی میان مفاهیم از دل داده‌ها آشکار شود. به تدریج، کدهای اولیه بر پایه هم‌پوشانی معنایی در قالب شبکه‌ای از مفاهیم سامان یافتند و ساختار نظری الگوی رشد متعالی شکل گرفت. حاصل این تحلیل، ظهور شش مقوله اصلی بود که هریک بخشی از فرایند کلی رشد متعالی را بازنمایی می‌کنند. بدین ترتیب، الگوی نهایی نه بر اساس طبقه‌بندی از پیش تعیین شده، بلکه در تعامل میان داده‌ها و بازاندیشی مستمر پژوهشگر پدید آمد. برای رعایت اختصار، منابع گزیده‌ای از داده‌های مرتبط با کدهای انتخابی در جدول (۱) آورده شده است.



۱۲۷

جدول ۱: مستندات و کدهای شناسایی شده الگوی فرایندی رشد متعالی

منبع	مؤلفه	مقوله
مؤمنون: ۱۳ - ۱۴؛ زمر: ۶؛ غافر: ۶۷	تغییرات تدریجی	زمینه‌سازها
بقره: ۲۵۶؛ جن: ۹ - ۱۰؛ بقره: ۱۵۵ - ۱۵۷؛ انسان: ۲	چالش‌های مسیر	
کهف: ۶۶؛ انبیاء: ۵۱؛ جن: ۱۴؛ مریم: ۴۳؛ بقره: ۲۶۹؛ مجادله: ۱۱؛ ص: ۲۹؛ محمد: ۲۴؛ غافر: ۲۹	معرفت و بینش	
اعراف: ۱۴۶؛ هود: ۷۸؛ اعراف: ۱۷۶؛ جاثیه: ۲۳؛ بقره: ۲۵۶	پرهیز از موانع	
آل عمران: ۶؛ جن: ۱۰؛ فاتحه: ۶؛ کهف: ۱۷ و ۲۴	اراده و هدایت الهی	عوامل علی
توبه: ۵؛ لقمان: ۴ - ۵؛ توبه: ۱۱؛ نساء: ۱۷ و ۱۷۵؛ آل عمران: ۱۰۱	پایبندی مذهبی	
مجادله: ۱۹؛ حجرات: ۷	خویش‌داری	
مائده: ۵۶؛ نساء: ۵۹؛ غافر: ۳۸؛ آل عمران: ۱۷۳	اطاعت الهی	
بقره: ۱۸۶؛ کهف: ۱۰	طلب کمال	
حجرات: ۷؛ بقره: ۱۸۶؛ جن: ۲؛ کهف: ۲۴؛ زمر: ۹	پیوند قلبی	
انسان: ۳؛ انفال: ۶۷؛ احزاب: ۲۸ - ۲۹؛ کهف: ۲۹	انتخاب مسئولانه	مؤلفه‌های هسته‌ای

منبع	مؤلفه	مقوله
عنکبوت: ۶۹؛ نجم: ۳۹؛ اسراء: ۱۹؛ حجر: ۵۴؛ فصلت: ۳۰؛ بقره: ۱۵۵ - ۱۵۷؛ تلاش پایدار		
سجده: ۲۴؛ بقره: ۲۵۶؛ انفال: ۴۵		
غافر: ۳۹؛ مائده: ۱۸؛ هود: ۱۲۳؛ نجم: ۴۲	هدفمندی	
مریم: ۷۶؛ ق: ۳۵	پویایی	
قصص: ۷۷؛ فرقان: ۶۷؛ بقره: ۱۴۳	تعادل	
زمر: ۱۸؛ یوسف: ۲۲؛ آل عمران: ۱۷۳	رشد شناختی	نشانیگان
توبه: ۱۱۹؛ احزاب: ۲۴؛ نمل: ۱۹؛ بقره: ۱۸۵؛ علق: ۱۱ - ۱۲	رشد اخلاقی	رشدیافتگی
هود: ۹۷؛ انعام: ۱۳۲؛ نساء: ۶	رشد رفتاری	
انعام: ۸۲؛ صافات: ۸۳ - ۸۴؛ شوری: ۲۰؛ توبه: ۱۸؛ بقره: ۱۵۷؛ احزاب: ۴۳	رشد معنوی	
آل عمران: ۱۳۳؛ مائده: ۴۸	رقابت در خوبی‌ها	راهبردها
احزاب: ۲۱؛ هود: ۸۷	الگوسازی	
غافر: ۳۸؛ طلاق: ۲ - ۳؛ ابراهیم: ۱۲؛ ممتحنه: ۴	زندگی الهی داشتن	
طه: ۸۲؛ توبه: ۱۰۰؛ بقره: ۱۸۶	وصال الهی	پیامدها
زمر: ۲۳؛ نازعات: ۱۹؛ فاطر: ۱۰	روح متعالی	
بقره: ۳۸؛ مائده: ۶۹؛ اعراف: ۱۷۸؛ طه: ۴۷	آسودگی	
بقره: ۵؛ شمس: ۹؛ اسراء: ۹۷؛ محمد: ۵	رستگاری	
کهف: ۱۰۷؛ نحل: ۹۷	پاداش دنیوی و	
	اخروی	

تحلیل داده‌های قرآنی و روایی نشان داد که حرکت انسان به‌سوی تعالی از لحظه‌ای آغاز می‌شود که او در دل تحولات تدریجی وجودی، چه در ساحت جسمانی و چه در عرصه معرفتی، با تجربه رشد پنهان، اما مداوم مواجه می‌شود. قرآن در آیاتی چون «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمنون: ۱۴) به همین تحول پیوسته اشاره می‌کند و مفسرانی همچون طبرسی (۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۶۱۹) و طباطبایی (۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۸۶) آن را زمینه شکوفایی ظرفیت‌های روحانی دانسته‌اند. این سیر درونی، همواره با چالش‌هایی همراه است؛ چالش‌هایی که نه مانع رشد، بلکه عامل بیداری‌اند. به تعبیر راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق، ص ۳۵۴)، مواجهه انسان با تضادها و موانع اخلاقی موجب می‌شود که قوه تمیز او از غفلت به آگاهی ارتقا یابد. از همین مسیر است که بستر اولیه رشد، در آرامش شکل نمی‌گیرد، بلکه در فرایند مواجهه با ناتوانی‌ها، مقاومت‌ها و ضرورت پالایش موانعی همچون تکبر (اعراف: ۱۴۶؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۷۳) ساخته می‌شود.

با شکل‌گیری این حساسیت وجودی، رابطه‌ای ظریف میان اراده انسان و هدایت الهی فعال می‌شود؛ رابطه‌ای که در قرآن بارها با بیانی انتخاب‌محور یاد شده است: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ» (دهر: ۱۲۸).

۳. این هدایت، همچون «دعوت» است و فرد، با اراده آگاهانه خود بر آن پاسخ می‌دهد. طباطبایی (۱۳۹۳، ج ۲۰، ص ۲۴۵) بر این نکته تأکید کرده که هدایت الهی، محرک تمامی استعدادهای نهفته انسان است، اما بدون نقش فعال فرد به فعلیت نمی‌رسد. در تفاسیر روایی نیز آمده است که مشیت الهی، گرچه اصل آفرینش و امکان رشد را سامان می‌دهد، اما انتخاب مسیر به انسان سپرده شده است (کلینی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۸۰). امید به رحمت خداوند که آیاتی چون «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا...» (زمر: ۵۳) آن را به زیباترین شکل بیان می‌کند، به تعبیر طبرسی (۱۴۰۸، ج ۸، ص ۴۵۸) نیروی محرکی است که انسان را از رکود بیرونی می‌کشد و انگیزش معنوی را در او زنده نگاه می‌دارد.

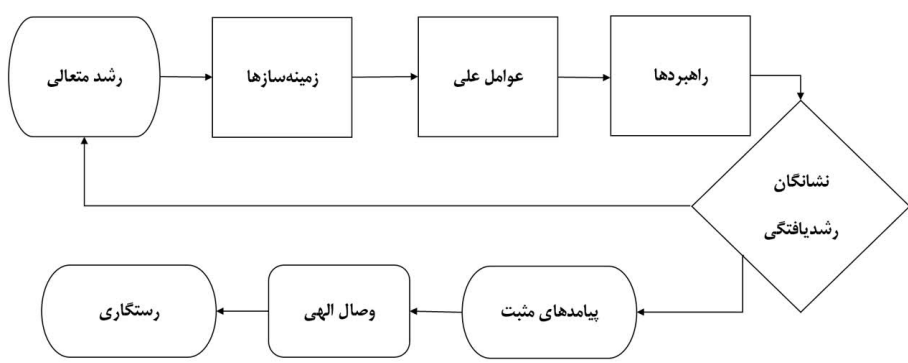
در میانه این حرکت درونی، هسته رشد پدیدار می‌شود؛ جایی که انسان میان مسئولیت‌پذیری، اراده آزاد، هدفمندی و آینده‌نگری، نوعی انسجام معنوی - ارادی را تجربه می‌کند. این مرحله، نه یک تعریف نظری، بلکه نقطه‌ای است که در آن انتخاب‌های فرد رنگی تازه می‌گیرد. انتخاب دیگر از جنس عادت یا تکلیف ظاهری نیست، بلکه از معرفتی زنده و عشق آمیخته با شناخت سرچشمه می‌گیرد. آیه «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶) به تعبیر مفسران همچون فیض کاشانی و طباطبایی، لحظه‌ای است که فرد از تقلید عبور کرده و با مسئولیت درک حق، راه را خود انتخاب می‌کند. مطالعه روایی نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری در قرآن، ریشه‌ای هستی‌شناختی دارد؛ یعنی انسان خود را در برابر خدا، خویش و جهان پاسخ‌گو می‌بیند (داداشی و همکاران، ۱۳۹۷). هم‌زمان، هدفمندی‌ای که قرآن در آیاتی چون «إِنَّ الْأَخْرَجَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر: ۳۹) بیان می‌کند، افق نگاه او را از دنیای گذرا به مقصد نهایی گره می‌زند (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۲۳۱). این مجموعه درهم‌تنیده، هسته‌ای می‌سازد که حرکت رشد را سامان می‌دهد و سایر لایه‌ها را حول خود می‌چرخاند.

وقتی هسته استحکام می‌گیرد، نشانه‌های رشد به تدریج در نگرش، هیجان و رفتار فرد پدیدار می‌شوند. نخستین جلوه این تغییر، روشن شدن عقل عملی و توان تمییز است که قرآن در «يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۸) بیان می‌کند و مفسرانی چون طباطبایی (۱۳۹۳، ج ۱۷، ص ۲۱۰) آن را معیار هدایت حقیقی دانسته‌اند. نشانه دیگر، استقلال شخصیت و دوری از اطاعت کورکورانه است؛ چنان‌که داستان قوم فرعون (هود: ۹۷) نشان می‌دهد که تسلیم بی‌فکر، عامل انحراف از رشد است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۱۷). از سوی دیگر، سکینه و آرامش معنوی درونی - که قرآن آن را نتیجه ارتباط با ذکر الهی می‌داند (رعد: ۲۸) - طبق تحلیل طبرسی (۱۴۰۸، ج ۵، ص ۵۰۱) نشانه توازن درونی انسان متعالی است. این نشانه‌ها نه پایان فرایند که علامت نضج یافتن

بذرهای درونی رشد در وجود انسان‌اند.

پس از آشکار شدن نشانه‌ها، انسان در مسیر تعالی به مجموعه‌ای از راهبردها متوسل می‌شود که نقش تثبیت‌کننده دارند. رقابت در خیرات - که قرآن در «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره: ۱۴۸) بیان کرده است - به تعبیر مکارم شیرازی (۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۹۱) سازوکاری است برای تبدیل انگیزش معنوی به کنش مؤثر؛ همچنین الگوگیری از انبیا و صالحان (احزاب: ۲۱) به بیان طبرسی (۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۸۴) نوعی «مجسم‌سازی تربیتی» است که رشد را از سطح مفهوم به سطح تجربه زیسته ارتقا می‌دهد. سومین راهبرد - زیست الهی - در واقع تبدیل ارزش‌ها به سبک زندگی است؛ یعنی پیوند خوردن رفتارهای روزمره با نیت الهی که در روایات فراوانی به‌عنوان اساس تربیت توحیدی شناخته می‌شود (فتحی آشتیانی و همکاران، ۱۳۹۵). این راهبردها، رشد را از حالت لحظه‌ای به مسیر پایدار تبدیل می‌کنند.

سرانجام، ثمره این سیر طولی در تجربه نوعی آرامش عمیق، هماهنگی و جود و احساس قرب الهی آشکار می‌شود؛ مرحله‌ای که قرآن آن را با تعبیر «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» (فجر: ۲۷) توصیف می‌کند. این آرامش، به تعبیر مفسران، نه یک حالت عاطفی، بلکه نوعی «انسجام وجودی» است که از پاکی نیت، استواری اراده و استمرار عمل صالح حاصل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲۰، ص ۳۴۵). طبرسی (۱۴۰۸، ج ۹، ص ۲۴۱) نیز تأکید می‌کند که بشارت الهی در دنیا و آخرت (یونس: ۶۴) بیانگر آن است که رشد معنوی تنها به ساحت اخروی محدود نمی‌شود، بلکه در زندگی اجتماعی و فردی نیز به‌صورت رضایت، تعادل و شکوفایی شخصیت متجلی می‌گردد. در مجموع، پیامد نهایی این مسیر، شکل‌گیری نوعی یکپارچگی درونی است که انسان را در مدار قرب الهی قرار می‌دهد و تجربه وصال را از لحظه‌ای پایان‌پذیر به چرخه‌ای پویا و مستمر تبدیل می‌کند.



شکل ۱: الگوی فرایندی رشد متعالی قرآن‌بنیان

برای سنجش روایی محتوایی مؤلفه‌های استخراج‌شده، از دیدگاه ۹ کارشناس متخصص در علوم اسلامی و روان‌شناسی بهره گرفته شد. این ارزیابی با هدف تأیید همخوانی مؤلفه‌ها با مبانی قرآنی و انسجام آنها در الگوی فرایندی رشد متعالی انجام شد و نتایج در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲: شاخص روایی محتوایی مؤلفه‌های الگوی فرایندی

مقوله	مؤلفه‌ها	کارشناسان موافق				کارشناسان مخالف	CVI
		خیلی بالا	بالا	ضعیف	خیلی ضعیف		
زمینه‌سازها	تغییرات تدریجی	۷	۱	۱	—	—	۰/۸۸
	چالش‌های مسیر	۸	—	۱	—	—	۰/۸۸
	معرفت و بینش	۷	۱	—	—	—	۰/۸۸
	پرهیز از موانع	۹	—	—	—	—	۱
	اراده و هدایت الهی	۷	۲	—	—	—	۱
عوامل مؤثر	پایبندی مذهبی	۸	۱	—	—	—	۱
	خویشن‌داری	۷	۲	—	—	—	۱
	اطاعت الهی	۷	۱	۱	—	—	۰/۸۸
	طلب کمال	۹	—	—	—	—	۱
	پیوند قلبی	۹	—	—	—	—	۱
	انتخاب مسئولانه	۸	—	۱	—	—	۰/۸۸
	تلاش پایدار	۸	۱	—	—	—	۱
	هدفمندی	۷	۱	۱	—	—	۰/۸۸
	پویایی	۷	۲	—	—	—	۱
	تعادل	۷	۱	۱	—	—	۰/۸۸
نشانه‌گان رشدیافتگی	رشد شناختی	۸	۱	—	—	—	۱
	رشد اخلاقی	۹	—	—	—	—	۱
	رشد رفتاری	۸	۱	—	—	—	۱
	رشد معنوی	۷	۲	—	—	—	۱
	رقابت در خوبی‌ها	۹	—	—	—	—	۱
راهبرد	الگوسازی	۹	—	—	—	—	۱
	زندگی الهی داشتن	۸	۱	—	—	—	۱
	وصال الهی	۷	۲	—	—	—	۱
	پیامدها	—	—	—	—	—	—

مقوله	مؤلفه‌ها	کارشناسان موافق		کارشناسان مخالف		CVI
		خیلی بالا	بالا	ضعیف	خیلی ضعیف	
روح متعالی	۷	۲	—	—	—	۰/۸۸
آسودگی	۸	۱	—	—	—	۱
رستگاری	۸	—	—	۱	—	۰/۸۸
پاداش دنیوی و اخروی	۷	۱	—	۱	—	۰/۸۸

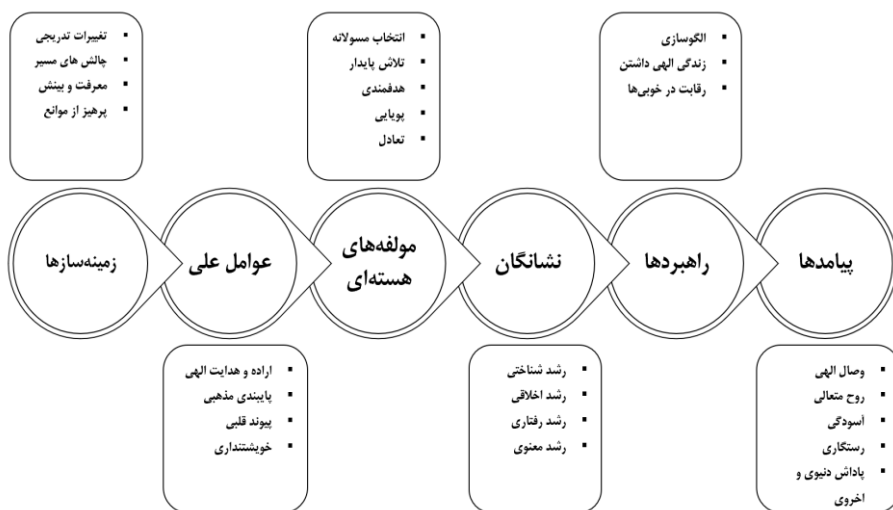
همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، شاخص روایی محتوا که از نظر کارشناسان به‌دست آمده، برابر با ۰/۹۵ است. این میزان بالاتر از حد معیار ۰/۷۹ بوده و نشان‌دهنده توافق بالای کارشناسان در تأیید مؤلفه‌های پیشنهادی الگوی فرایندی رشد متعالی است؛ بنابراین تمامی مؤلفه‌های مطرح شده با توجه به این ارزیابی از اعتبار محتوایی لازم برخوردارند.

این سطح از توافق کارشناسان بیانگر آن است که مؤلفه‌های شناسایی شده در این پژوهش به‌خوبی توانسته‌اند ابعاد و جنبه‌های مختلف رشد متعالی از دیدگاه قرآن کریم را پوشش دهند. به این ترتیب، می‌توان با اطمینان بیشتری از این مؤلفه‌ها به‌عنوان پایه‌ای برای تدوین الگوی فرایندی استفاده کرد.



۱۳۲

پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی | بهار و تابستان ۱۴۰۵



شکل ۲: تدوین الگوی فرایندی رشد متعالی قرآن‌بنیان

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی فرایندی رشد متعالی قرآن بنیان انجام شد. یافته‌های حاصل از تحلیل نظام‌مند داده‌های قرآنی با روش نظریه داده‌بنیاد به شناسایی الگویی پویا و چندمرحله‌ای انجامید. این الگو نشان داد که رشد متعالی، حرکتی تدریجی، تعاملی و هدفمند است که در بستر ارتباط دوسویه میان اراده انسانی و هدایت الهی تحقق می‌یابد و در نهایت به کمال وجودی و قرب الهی منتهی می‌شود. الگوی فرایندی نهایی، شامل شش مقوله زمینه‌سازها، عوامل مؤثر، مؤلفه‌های هسته‌ای، نشانگان رشدیافتگی، راهبردها و پیامدهاست که در یک نظام پارادایمی منسجم سازمان یافته‌اند.

در بررسی عوامل زمینه‌ای رشد متعالی، نخستین مؤلفه، اصل «تدریج و تحول مرحله‌ای» است. قرآن کریم با تبیین آفرینش انسان از نطفه تا دمیده شدن روح، رشد را امری تکوینی، زمانمند و تدریجی معرفی می‌کند (مؤمنون: ۱۳ - ۱۴). مفسران این آیات، از جمله طبرسی (۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۶۱۹) و مکارم شیرازی (۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۲۰۸)، این سیر را نمادی از حرکت پیوسته انسان از جسمانیت به سوی روحانیت دانسته‌اند. بر این اساس، تدریج نه تنها قانون خلقت، بلکه قاعده‌ای بنیادین در تربیت انسانی است؛ چراکه همان‌گونه که رشد زیستی در بستر زمان تحقق می‌یابد، رشد معنوی نیز مستلزم پیمودن گام به گام مراتب کمال است (نجفی، مقدم‌زاده و وفایی، ۱۳۹۲).

در امتداد این سیر تدریجی، دومین عامل زمینه‌ای، نقش چالش‌ها و آزمون‌ها در فرایند تربیت الهی است. قرآن کریم، ابتلائات را سنتی فراگیر در مسیر رشد و پالایش انسان معرفی می‌کند: «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت: ۲). این آزمون‌ها نه برای آگاهی خداوند، بلکه برای آشکار شدن ظرفیت‌ها و شایستگی‌های درونی انسان‌اند (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۵۸؛ کلینی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۵۱). افزون بر این، روشن بودن مسیر هدایت نیز بخشی از همین نظام تربیتی است؛ چنان‌که قرآن با تصریح به «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶)، حقیقت رشد را امری آشکار و قابل تشخیص معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۸۲). از این منظر، چالش، هدایت و آزمون نه موانع رشد، بلکه فرصت‌هایی برای تعالی آگاهانه‌اند.

سومین عامل زمینه‌ای، «معرفت و بینش» است که به عنوان پیش شرط رشد متعالی شناخته می‌شود. قرآن، علم، تعقل و بصیرت را زیربنای هدایت می‌داند؛ چنان‌که در داستان حضرت موسی و خضر عليه السلام، برخورداری از «عِلْمًا لَدُنِّيًّا» مقدمه هدایت و رشد معرفی شده است (کهف: ۶۶). به فرموده مکارم شیرازی (۱۳۷۳، ج ۱۲، ص ۴۸۸)، این دانش نوعی معرفت کاربردی است که انسان را به خیر و صلاح سوق می‌دهد.

همچنین آیه «فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا» (جن: ۱۴) نشان می‌دهد که رشد، حاصل جهت‌یابی آگاهانه به سوی حق است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲۰، ص ۶۷). از دیدگاه تفسیری، معرفت و تفکر، ابزار شناخت حقیقت و عامل مصونیت از انحراف‌اند (قزائنی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۲۷۴).

در نهایت، پرهیز از موانع رشد به عنوان رکن تکمیلی عوامل زمینه‌ای مطرح می‌شود. قرآن کریم، تکبر، پیروی از هوا و طاغوت‌گرایی را از علل اصلی انحطاط و توقف در مسیر تعالی معرفی می‌کند. متکبران به سبب خودبینی، از درک آیات الهی محروم می‌شوند: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ» (اعراف: ۱۴۶؛ قزائنی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۷۳). همچنین پیروی از هوس عامل گمراهی است (جاثیه: ۲۳) و نمونه‌هایی چون بلعم باعورا، سقوط معرفتی و اخلاقی ناشی از هواپرستی را نشان می‌دهند (تقی‌تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۴۹۴). در مقابل، رشد متعالی با نفی طاغوت و اتکا به ایمان آغاز می‌شود: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» (بقره: ۲۵۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۸۰). بر این اساس، عوامل زمینه‌ساز رشد متعالی در قرآن، شبکه‌ای منسجم از تدریج تکوینی، آزمون‌های هدفمند، بینش الهی و پرهیز از موانع انحرافی را شکل می‌دهند؛ شبکه‌ای که بستر فعلیت یافتن کمال انسانی را در یک فرایند پیوسته و آگاهانه فراهم می‌سازد.

در الگوی فرایندی رشد متعالی، عوامل مؤثر نقش نیروهای محرک را ایفا می‌کنند که گذار انسان از زمینه‌های رشد به فعلیت یافتن کمال را امکان‌پذیر می‌سازند. در این میان، نخستین و بنیادی‌ترین مؤلفه علی، اراده و هدایت الهی است. قرآن کریم اراده خداوند را منشأ آفرینش و تدبیر هستی معرفی می‌کند: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲). مفسران تصریح کرده‌اند که این مشیت مطلق، تنها به آفرینش محدود نیست، بلکه در هدایت و تکامل انسان نیز به‌طور مستمر جریان دارد (کلینی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۶۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۶۱). هدایت الهی، جلوه‌ای از همین اراده خیرخواهانه است که انسان را به سوی خیر سوق داده و از مسیرهای انحرافی باز می‌دارد.

در مقابل، اراده انسانی ماهیتی محدود و مشروط دارد و تنها زمانی به عامل رشد تبدیل می‌شود که در پرتو هدایت الهی قرار گیرد. راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق، ص ۵۲۷) اراده انسان را نیرویی می‌داند که بدون اتصال به هدایت الهی، توان تضمین کمال حقیقی را ندارد؛ از این رو رشد متعالی حاصل همسویی اراده انسان با مشیت الهی است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (انسان: ۳۰).

در امتداد این همسویی، پایبندی مذهبی به عنوان تجلی اراده آگاه انسان در عرصه رفتار دینی، دومین عامل علی رشد متعالی به‌شمار می‌آید. قرآن کریم با تأکید بر اقامه نماز و

پرداخت زکات (توبه: ۵؛ لقمان: ۴)، این اعمال را عامل تزکیه نفس و استواری در مسیر حق معرفی می‌کند. نماز، پیوندی مستمر میان انسان و خداوند برقرار می‌سازد و موجب تعادل روحی و آرامش درونی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۶۳). زکات نیز نماد مسئولیت اجتماعی و ابزاری برای پالایش درون از خودخواهی و تعلقات مادی است (نجفی، ۱۳۹۲، ص ۸۹). در این سطح، دین نه مجموعه‌ای صرف از مناسک، بلکه نیرویی تنظیم‌کننده است که رفتار انسان را با ارزش‌های الهی همسو می‌سازد.

در همین چارچوب، توبه به‌عنوان یکی دیگر از جلوه‌های پایبندی مذهبی، نقش بازسازنده در فرایند رشد ایفا می‌کند. توبه، بازگشتی آگاهانه به حق و نوعی اصلاح درونی است که فرد را از غفلت به بیداری و از خطا به مسیر تعالی باز می‌گرداند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۵۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱).

سومین مؤلفه، خویش‌داری است که از پرهیز آگاهانه نسبت به وسوسه و گناه ناشی می‌شود. قرآن کریم با معرفی شیطان به‌عنوان دشمن آشکار انسان، او را به هوشیاری اخلاقی فرا می‌خواند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» (فاطر: ۶). این آگاهی، نیروی مقاومت اخلاقی را تقویت کرده و مانع انحراف از مسیر رشد می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱۸، ص ۳۴۵). بیزاری از گناه، نشانه تعالی درونی و جلوه‌ای از نفرت فطری نسبت به نافرمانی است: «وَكَزَّةٍ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» (حجرات: ۷). طباطبایی (۱۳۹۳، ج ۱۸، ص ۳۹۵) این حالت را از نتایج ایمان و نشانه بلوغ اخلاقی انسان می‌داند.

چهارمین عامل مؤثر رشد متعالی، اطاعت الهی است که در قالب ولایت‌پذیری، تبعیت از هدایت‌گران الهی و خشیت از خداوند تجلی می‌یابد. ولایت، به معنای پذیرش حاکمیت الهی و پیروی از اولیای اوست: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» (مائدة: ۵۵). این تبعیت، نظم معنوی فرد و جامعه را تضمین می‌کند و انسان را در مسیر هدایت تثبیت می‌سازد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳۲۱). خشیت نیز نوعی ترس معرفتی است که از شناخت عظمت الهی ناشی می‌شود و انسان را از خطا باز می‌دارد و به عمل صالح سوق می‌دهد (ابراهیم: ۴۳؛ احزاب: ۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص ۲۸۷).

در گام بعد، طلب کمال به‌عنوان نیروی محرک درونی، نقش مهمی در پویایی فرایند رشد ایفا می‌کند. قرآن کریم دعا را ابزار پیوند فعال انسان با خداوند و عامل اصلاح درون معرفی می‌کند: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰). دعا، تلاشی آگاهانه برای جلب رحمت الهی و بازسازی معنوی

انسان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱۹، ص ۳۴۵). این میل درونی به تعالی، انسان را از رکود و یأس می‌رهاند و او را در مسیر تکامل نگه می‌دارد (عرب، ۱۴۰۲، ص ۷۶).

در نهایت، پیوند قلبی با خداوند از طریق ایمان و امید، پیوستگی پایدار انسان با منبع هستی را تضمین می‌کند. ایمان، زینت دل‌ها و سرچشمه آرامش درونی است: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات: ۷). امید نیز نیرویی روانی و الهی است که انسان را به استمرار در مسیر رشد فرا می‌خواند (کهف: ۲۴؛ دلمی، ۱۴۰۸، ص ۲۱۲). به فرموده مکارم شیرازی (۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۹۸)، امید به فضل الهی، پادزهر ناامیدی و موتور پویایی روح مؤمن است.

در سطح هسته‌ای الگوی رشد متعالی، سه مؤلفه بنیادین شناسایی می‌شود که سازوکار درونی حرکت انسان به سوی کمال را شکل می‌دهند: نخستین مؤلفه، انتخاب مسئولانه است که اساس حرکت انسان در مسیر رشد به‌شمار می‌آید. قرآن کریم با تأکید بر آزادی و مسئولیت انسان، او را موجودی مختار معرفی می‌کند که با آگاهی و اراده، مسیر هدایت یا انحراف را برمی‌گزیند: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳). این آیه نشان می‌دهد که خداوند ابزار هدایت را در اختیار انسان نهاده، اما تصمیم نهایی را به خود او واگذار کرده است. مکارم شیرازی (۱۳۷۳، ج ۱۸، ص ۲۲۴) این آیه را تأکیدی روشن بر مسئولیت فردی انسان در قبال انتخاب‌هایش می‌داند.

در همین راستا، امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «به آنچه نسبت به آن مسئولیت داری مشغول باش» (تیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۶۰۱). چنین نگرشی بیانگر آن است که مسئولیت‌پذیری، ریشه در خودشناسی و آگاهی از جایگاه خلیفه‌اللهی انسان دارد (داداشی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۳). مفهوم اراده انسانی نیز در این چارچوب، نیروی محرک انتخاب معرفی می‌شود: «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف: ۲۹). طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۴۷) اراده را مبنای تحقق عمل آگاهانه می‌داند که انسان را میان تمایل دنیوی و خواست الهی مخیر می‌سازد.

دومین مؤلفه هسته‌ای، تلاش پایدار است که استمرار، پشتکار و استقامت در مسیر کمال را نمایان می‌سازد. قرآن کریم تصریح می‌کند: «وَأَنَّ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹)؛ بیانی که عدالت الهی را بر اساس میزان کوشش انسان تبیین می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۳۶). همچنین آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت: ۶۹) نشان می‌دهد که هدایت الهی، نتیجه پایداری در مسیر حق است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۸۴). صبر و استقامت، جلوه‌های اساسی این مؤلفه‌اند؛ چنان‌که قرآن وعده یاری الهی را به صابران می‌دهد (بقره: ۱۵۵ - ۱۵۷). مکارم شیرازی (۱۳۷۳، ج ۲۲، ص ۱۶۰)

صبر را «سر ایمان» و شرط رشد معنوی می‌داند. این پایداری، انسان را از لغزش‌های درونی و بیرونی مصون داشته و به ثبات شخصیتی می‌رساند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۹۳)؛

سومین مؤلفه هسته‌ای، تعادل هدفمند است که بیانگر هماهنگی میان دنیا و آخرت در حیات انسانی است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷). به بیان قرائتی (۱۳۸۸، ج ۷، ص ۹۴)، این آیه بر ضرورت بهره‌مندی از دنیا در عین حفظ جهت‌گیری اخروی تأکید دارد. چنین تعادلی، انسان را از افراط و تفریط باز می‌دارد و زمینه رشد همه‌جانبه او را فراهم می‌سازد. در همین راستا، قرآن امت اسلامی را «أُمَّةٌ وَسَطًا» معرفی می‌کند (بقره: ۱۴۳)؛ مفهومی که طیب (۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۲۸) آن را نماد اعتدال در اندیشه، اخلاق و عمل می‌داند.

در الگوی فرایندی رشد متعالی، نشانگان به‌عنوان جلوه‌های عینی و قابل مشاهده تحقق رشد، امکان تشخیص و ارزیابی این فرایند را فراهم می‌سازند. این نشانگان، در ساحت‌های شناختی، اخلاقی، رفتاری و معنوی نمود می‌یابند و بیانگر عبور انسان از مراحل زمینه‌ای و علّی به مرحله فعلیت‌یافتگی کمال‌اند.



۱۳۷

مفهوم‌سازی شفقت به خود بر اساس دعای مکارم الاخلاق در...

در بُعد شناختی، شاخص‌هایی چون خردورزی، بلوغ حکیمانه و اطمینان قلبی از برجسته‌ترین نشانه‌های رشد متعالی به‌شمار می‌آیند. قرآن کریم در آیه ۱۸ سوره زمر، خردورزی را نشانه هدایت الهی معرفی کرده و «اولوالالباب» را کسانی می‌داند که قدرت تشخیص بهترین گفتار و انتخاب آگاهانه دارند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۷، ص ۲۵۰). بلوغ حکیمانه نیز در آیه ۲۲ سوره یوسف با اعطای «حکم و علم» به حضرت یوسف علیه السلام تجلی می‌یابد که نماد رسیدن به کمال فکری، تشخیص صحیح موقعیت‌ها و تصمیم‌گیری عاقلانه است (طبرسی، ۱۴۸۰ق، ج ۱۲، ص ۱۸۸). در این میان، اطمینان قلبی به‌عنوان اوج رشد شناختی، حالتی است که فرد را در ایمان و عمل ثابت‌قدم می‌سازد؛ چنان‌که قرآن در آیه «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران: ۱۷۳) این اطمینان را عامل آرامش و پایداری مؤمنان معرفی می‌کند (طبرسی، ۱۴۸۰ق، ج ۱۳، ص ۶۰).

در بُعد اخلاقی، صفاتی همچون صداقت، شکرگزاری و دعوت به تقوا از نشانه‌های بارز رشد اخلاقی‌اند. قرآن کریم صدق را زمینه‌ساز پاداش الهی می‌داند: «لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ» (احزاب: ۲۴)، و شکرگزاری را شرط فزونی نعمت معرفی می‌کند: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي» (بقره: ۱۵۲)؛ امری که به بیان مکارم شیرازی (۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۲۸)، نشان‌دهنده بلوغ اخلاقی و قدردانی آگاهانه انسان از نعمت‌های الهی است. انسان رشدیافته، نه تنها خود اهل صدق و شکر است، بلکه دیگران را نیز به تقوا و

هدایت فرا می‌خواند: «الرَّأْيَتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى» (علق: ۹-۱۲).

در بُعد رفتاری، شاخص‌هایی مانند پرهیز از اطاعت کورکورانه، عمل آگاهانه و برخورداری از رشد اقتصادی، نشانه بلوغ اجتماعی و استقلال فکری فرد محسوب می‌شوند. قرآن کریم با نكوهش پیروی نابخردانه از رهبران گمراه (هود: ۹۷)، بر ضرورت انتخاب آگاهانه در رفتار اجتماعی تأکید دارد. همچنین در آیه ۶ سوره نساء، «رشد» شرط واگذاری اموال و مسئولیت‌های اقتصادی معرفی شده است؛ امری که طباطبایی (۱۳۹۳، ج ۴، ص ۲۷۵) آن را نشان‌دهنده پیوند میان عقلانیت، تعادل رفتاری و شایستگی اجتماعی در انسان رشدیافته دانسته است.

در نهایت، رشد معنوی در قله این فرایند قرار دارد و با مؤلفه‌هایی چون امنیت الهی، اخلاص، دلبستگی اخروی و رهایی از ترس غیر خداوند تجلی می‌یابد. قرآن کریم امنیت حقیقی را ثمره ایمان ناب معرفی می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» (انعام: ۸۲). اخلاص نیز اساس بندگی خالصانه است (نحل: ۳۶؛ زمر: ۱۱) و دلبستگی به آخرت، جهت‌گیری نهایی انسان رشدیافته را تعیین می‌کند (شوری: ۲۰). افزون بر این، نرسیدن از غیر خداوند به عنوان نشانه رهایی درونی، در آیه ۱۸ سوره توبه برجسته شده است. به اظهار مکارم شیرازی (۱۳۷۳، ج ۵، ص ۳۲۱) و طباطبایی (۱۳۹۳، ج ۸، ص ۵۶)، این مرحله ثمره ایمان خالص و تمرکز کامل وجود انسان بر خداوند است که در آن، آرامش و ایمنی جایگزین اضطراب و ترس می‌شود.

در سطح عملی الگوی رشد متعالی، قرآن کریم مجموعه‌ای از راهبردها را ارائه می‌دهد که امکان تحقق و استمرار این فرایند را فراهم می‌سازند. این راهبردها، پیوند میان معرفت و کنش را برقرار کرده و رشد را از سطح آگاهی به عرصه عمل سوق می‌دهند.

نخستین راهبرد، رقابت در نیکی‌هاست که روحیه‌ای پویا، فعال و هدفمند در انسان رشدیافته ایجاد می‌کند. قرآن کریم مؤمنان را به شتاب گرفتن در مسیر مغفرت و بهشت فرا می‌خواند: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ» (آل عمران: ۱۳۳). مفسران این آیه را تشبیهی از مسابقه معنوی دانسته‌اند که هدف آن پیشی گرفتن در خیرات و کسب قرب الهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۹۲). طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۵۶) تصریح می‌کند که این شتاب‌ورزی نه از سر اضطراب، بلکه برخاسته از بصیرت و شناخت ارزش فرصت‌های الهی است. آیه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (مائده: ۴۸) نیز بر همین رقابت آگاهانه و اخلاص محور در اعمال نیک تأکید دارد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۷۷).

دومین راهبرد، الگوسازی است که قرآن آن را ابزار اساسی تربیت و تعالی معرفی می‌کند. در آیه

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان الگوی کامل انسان رشدیافته معرفی شده است. واژه «أسوه» به معنای سرمشق و مقتداست (قرشی، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۳۲۱) و به اظهار طبرسی (۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۸۸)، این آیه بر ضرورت الگوگیری در پایداری، صبر و مقاومت در برابر دشواری‌ها تأکید دارد. از منظر تربیتی، الگوسازی مؤثرترین شیوه انتقال ارزش‌هاست؛ زیرا اسوه زنده، مفاهیم اخلاقی را از سطح آموزش به عرصه تجربه زیسته منتقل می‌کند (عباسی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۴۸).

سومین راهبرد، زیست الهی است که در دو مؤلفه تقوا و توکل تحقق می‌یابد. قرآن کریم تقوا را به لباس تشبیه می‌کند: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ» (اعراف: ۲۶)؛ لباسی که هم زینت انسان و هم سپری در برابر لغزش‌هاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۱۳۲). همچنین تقوا عامل گشایش و سامان زندگی معرفی شده است: «وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (طلاق: ۲ - ۳)؛ امری که به فرموده طباطبایی (۱۳۹۳، ج ۱۸، ص ۱۰۵) بیانگر پیوند مستقیم تقوا با نظم الهی در حیات انسانی است.



۱۳۹

مفهوم‌سازی شفتت به خود بر اساس دعای مکارم الاخلاق در...

در کنار تقوا، توکل ستون دوم زیست الهی به‌شمار می‌آید. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳). مفسران، توکل را اعتماد آگاهانه همراه با تلاش دانسته‌اند، نه کناره‌گیری از عمل (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۰۷). چنین نگرشی، انسان را از اضطراب و یأس رها ساخته و به او آرامش، اطمینان و استقامت در مسیر رشد می‌بخشد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۳، ص ۷۲). در مجموع، راهبردهای قرآنی رشد متعالی، سه مسیر مکمل را ترسیم می‌کنند: پویایی فردی از رهگذر رقابت در خیر، رشد اجتماعی از طریق الگوگیری، و تعالی وجودی در سایه زیست الهی. این راهبردها، زیربنای عملی الگوی رشد متعالی را شکل داده و گذار از معرفت به کنش آگاهانه را ممکن می‌سازند.

در الگوی فرایندی رشد متعالی، پیامدها بیانگر نتایج نهایی این سیر تدریجی‌اند که در ساحت‌های معنوی، روانی و اجتماعی ظهور می‌یابند. این پیامدها، نشان می‌دهند که رشد متعالی نه تنها به کمال فردی، بلکه به آرامش و رستگاری پایدار منتهی می‌شود.

وصال الهی، غایت نهایی رشد متعالی است و دربرگیرنده مغفرت، رضایت و قرب الهی است. قرآن کریم مغفرت را ویژه کسانی می‌داند که پس از ایمان و عمل صالح، در مسیر هدایت پایدار می‌مانند: «إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ» (طه: ۸۲). مفسران، استمرار هدایت را شرط تحقق مغفرت حقیقی دانسته‌اند (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۱۷). رضایت الهی، مرتبه‌ای فراتر

است که قرآن آن را «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (توبه: ۷۲) معرفی می‌کند و آن را بزرگ‌ترین پاداش بندگان صالح می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۵۰۸). قرب الهی نیز عالی‌ترین سطح وصال است که در آن، انسان به نزدیکی معنوی با خداوند دست می‌یابد: «إِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ» (بقره: ۱۸۶)؛ قربی که از مسیر طاعت و محبت الهی حاصل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۵۷).

دومین پیامد اساسی رشد متعالی، شکل‌گیری روح متعالی است که در آرامش، خشیت و عزت نمود می‌یابد. قرآن کریم آرامش قلبی را ثمره ایمان و یاد خدا می‌داند: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ آرامشی که به سخن طباطبایی (۱۳۹۳، ج ۱۱، ص ۳۵۶)، حاصل اتصال پایدار قلب انسان به خداوند است. خشیت نیز ترسی آگاهانه و معرفتی است که انسان را به مراقبت از رفتار و تواضع در بندگی سوق می‌دهد (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۴۱؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۱۹۳). عزت حقیقی نیز تنها در پیوند با قدرت الهی معنا می‌یابد: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر: ۱۰)؛ به گونه‌ای که مؤمنان به واسطه ایمان و توکل، از این عزت بهره‌مند می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲۳، ص ۱۷).

آسودگی و امنیت درونی، از دیگر پیامدهای برجسته رشد متعالی است که در سه جلوه‌هایی از ترس و اندوه، مصونیت از گمراهی و دستیابی به سلامت معنوی بروز می‌یابد. قرآن کریم وعده می‌دهد: «فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۳۸)؛ وعده‌ای که به نقل قرائتی (۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۲) بیانگر امنیت روانی پایدار هدایت‌یافتگان است. سلامت معنوی نیز پاداش تبعیت از هدایت الهی معرفی شده است: «وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ» (طه: ۴۷)؛ تفسیری که طباطبایی (۱۳۹۳، ج ۱۰، ص ۲۳۹) آن را نشانه سلامت در مسیر ایمان می‌داند.

رستگاری یا فلاح، نتیجه نهایی این سیر است. قرآن کریم تصریح می‌کند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹)؛ یعنی تنها کسانی به فلاح می‌رسند که نفس خویش را تزکیه کرده باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۲۷، ص ۴۸). راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق، ص ۶۴۴) فلاح را رهایی از شرور و وصول به خیر پایدار معنا می‌کند.

در نهایت، پاداش دنیوی و اخروی رشد متعالی در قالب «بهشت» و «حیات طیبه» تحقق می‌یابد. قرآن کریم وعده می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ» (کهف: ۱۰۷)؛ بهشتی که ثمره ایمان و عمل صالح است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱۲، ص ۵۶۳). افزون بر این، «حیات طیبه» پاداش مؤمنان راستین در دنیا معرفی شده است؛ حیاتی که با آرامش، عزت و قناعت همراه است (نحل: ۹۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۷، ص ۲۳).

در مقایسه با الگوهای بومی پیشین، از جمله «الگوی مفهومی رشد خود بر پایه آثار مولوی» (موسی‌پور، احمدی و رضایی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۰۵) که عمدتاً بر تجربه عرفانی و سلوک فردی تأکید دارند، الگوی حاضر با اتکا بر آموزه‌های قرآنی، چارچوبی نظام‌مند، فرایندمحور و قابل‌کاربست در سطوح فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد. همچنین مقایسه این الگو با نظریه‌های برجسته روان‌شناسی رشد، نوآوری آن را آشکارتر می‌سازد. برخلاف نظریه رشد شناختی پیازه که بر تحول ساختارهای شناختی تأکید دارد، نظریه روانی - اجتماعی اریکسون که رشد را در قالب حل بحران‌های هشت‌گانه تبیین می‌کند، و نظریه رشد اخلاقی کلبگ که تحول قضاوت اخلاقی را محور قرار می‌دهد، الگوی حاضر رشد متعالی را فرایندی چندبعدی و یکپارچه می‌داند که ابعاد شناختی، اخلاقی، عاطفی، معنوی و رفتاری را به‌صورت هم‌زمان دربر می‌گیرد. همچنین درحالی‌که نظریه رشد ایمان فاولر بر تحول ساختارهای ایمان تمرکز دارد، الگوی قرآن‌بنیان حاضر، افزون بر ساحت ایمانی، نقش هدایت الهی، انتخاب مسئولانه، مجاهدت مستمر و پیامدهای فردی و اجتماعی رشد را نیز در قالب یک فرایند پویا و هدفمند تبیین می‌کند؛ ازاین‌رو نوآوری اصلی این الگو در ارائه تبیینی جامع، فرایندی و مبتنی بر داده‌های قرآنی از سازوکارهای رشد متعالی است.

افزون بر این، شاخص روایی محتوایی بالا ($CVI = 0.95$) که بر اساس نظر خبرگان به‌دست آمده است، اعتبار محتوایی مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی را تأیید می‌کند (فتحی آشتیانی و همکاران، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۷).

در مجموع، الگوی فرایندی رشد متعالی قرآن‌بنیان، تصویری جامع، پویا و نظام‌مند از مسیر تحول انسان به‌سوی کمال الهی ارائه می‌دهد و می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات تربیتی و روان‌شناختی اسلامی در نظام‌های آموزشی و پژوهشی قرار گیرد. همچنین فراهم‌سازی ابزارهای سنجش متناسب با مؤلفه‌های این الگو، مسیر را برای پژوهش‌های آتی در حوزه روان‌شناسی اسلامی و تعلیم و تربیت قرآنی هموار می‌سازد.

با وجود این، یافته‌های پژوهش حاضر باید با توجه به برخی محدودیت‌ها تفسیر شوند: نخست، به دلیل ماهیت کیفی و قرآن‌بنیان پژوهش، تعمیم‌پذیری یافته‌ها به سایر بافت‌های فرهنگی و معرفتی با محدودیت همراه است؛ دوم، اگرچه از تفاسیر معتبر و متنوع برای تبیین دلالت‌های آیات استفاده شد، انتخاب منابع تفسیری و تفسیر مضامین می‌تواند متأثر از رویکردهای تفسیری و قضاوت پژوهشگر باشد؛ سوم، این پژوهش صرفاً بر آیات قرآن کریم متمرکز بوده و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و سایر منابع اسلامی در فرایند

استخراج داده‌ها مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. همچنین گستردگی مفهومی رشد متعالی و تنوع آیات مرتبط، امکان بررسی همه ابعاد و دلالت‌های معنایی را در یک پژوهش واحد محدود می‌سازد؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از رویکردهای تلفیقی، مقایسه‌ای و ابزارهای سنجش تجربی، به توسعه و اعتبارسنجی بیشتر این الگو پردازند.

منابع

قرآن کریم.

- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صاد.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). مصباح المنیر. قم: مؤسسه دار الهجره.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- بازرگان، عباس؛ سرمد، زهره و حجازی، الهه (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه البعثة.
- بستانی، محمود (۱۳۸۷). اسلام و روان‌شناسی. ترجمه محمود هوشیم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- سقای بی‌ریا و همکاران (۱۳۷۴). روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۸۷). فرهنگ روان‌شناسی و روان‌پزشکی. تهران: فرهنگ معاصر.
- ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸). تفسیر روان جاوید، در تفسیر قرآن مجید. تهران: برهان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). تسنیم. قم: اسراء.
- حسینی رامندی، سیدعلی اکبر (۱۴۰۰). تحلیل روان‌شناختی رشد قرآنی و نشانه‌های آن. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۵(۲۹)، ۶۱ - ۸۳.
- حقانی، ابوالحسن (۱۳۹۶). روان‌شناسی رشد. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- داداشی فاطمه، صفار حیدری، حجت و شریف‌زاده، حکیم السادات (۱۳۹۷). اصول و روش‌های تربیتی مسئولیت‌پذیری در آموزه‌های اسلامی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، ۲۱(۴۱)، ۱۵۵ - ۱۸۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- دهقانی شورکی، محمد (۱۴۰۳). مفهوم رشد متعالی و نسبت آن با سایر جنبه‌های تحولی انسان. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۸(۳۵)، ۱۰۶ - ۱۲۶.

پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی

۱۴۲

پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی

تیر و تابستان ۱۴۰۵

دیلمی، حسن بن محمد (۱۹۸۸). أعلام الدين في صفات المؤمنين. مؤسسة آل البيت للإحياء التراث. راجب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). معجم مفردات الفاظ القرآن. تهران: مرتضوی. رضایی اصفهانی، محمدعلی و جمعی از پژوهشگران قرآنی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۷). الگوی درمانی خودنظم‌جویی برای افسردگی بر اساس منابع اسلامی: تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمان و مطالعه امکان‌سنجی و نتایج اولیه آن. رساله دکتری روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

شجاعی، محمدصادق؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی‌راد، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳). کاربرد نظریه حوزه معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۸(۱۵)، ۷-۳۸.

شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۸). نهج البلاغه. تصحیح: مصطفی زمانی. تهران: مؤسسه انتشارات نبوی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). تفسیر جوامع الجامع. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). اطبیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.

عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۷۹). اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

عبداللهی، مریم (۱۳۹۸). تدوین مدل رشد اخلاقی در نوجوانان بر اساس مؤلفه‌های فراشناخت با تأکید بر نظریه شناخت اجتماعی. رویش روان‌شناسی، ۸(۱۰)، ۱-۸.

عرب، محمد (۱۴۰۲). آثار دعا در رشد انسان از منظر قرآن. پژوهش مطالعات اسلامی معاصر، ۱(۶)، ۱۹-۳۵.

فتحی آشتیانی، علی؛ محمدی، بهاره و فتحی آشتیانی، مینا (۱۳۹۵). آزمون‌های روان‌شناختی. تهران: بعثت.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.

قائمی مقدم، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۴). بررسی مراحل تحول بر اساس منابع اسلامی، روان‌شناسی و دین، ۸(۴)، ۲۳-۳۲.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
قربان‌پور لقمجانی، امیر (۱۴۰۲). تحول شناختی مفهوم «انسان» و تطبیق آن با نظریه رشد
شناختی پیازه در دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی. سلامت و آموزش در دوران کودکی، ۴(۳)،
۱۷ - ۳۶.

قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت
قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۸۱). قاموس القرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
کاوپانی، محمد (۱۳۹۸). روان‌شناسی در قرآن (بنیان‌ها و کاربردها). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
کریمی، مسعود؛ عشوری، محمد و صالمی خامنه، علیرضا (۱۳۹۶). بررسی رابطه رشد اجتماعی
با هوش هیجانی و سلامت روان در دانش‌آموزان آهسته‌گام. توانمندسازی کودکان استثنایی،
۸(۱)، ۹۷ - ۱۱۳.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۳ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۳). تفسیر نمونه. قم: دار الکتب الاسلامیه
موسی‌پور حامد و کلاترهرمزی آتوسا، برجعلی احمد (۱۳۹۹). تبیین الگوی مفهومی «رشد
خود» مبتنی بر آثار مولوی. علوم روان‌شناختی، ۱۹(۹۴)، ۱۲۰۵ - ۱۲۱۸.
ناظری، علی؛ محمدی، مصطفی و بخشی، حسین (۱۴۰۴). مروری بر مبانی و ابعاد رشد هیجانی
مبتنی بر تأثیرگذاری مؤلفه‌های درونی. چهارمین همایش ملی تازه‌های روان‌شناسی تکاملی و
تربیتی. بندرعباس.

نجفی، حسن؛ مقدم‌زاده، علی و وفایی، رضا (۱۳۹۲). برنامه درسی تربیت دینی، چالش‌های
کنونی و طرح راهکارهایی برای آینده. مجموعه مقالات همایش ملی مدرسه فردا. مرکز آموزشی
و فرهنگی سما واحد چالوس، ۲۷۳ - ۲۶۸.

نوروزی، رضاعلی و کوهی اصفهانی، هاجر (۱۳۹۲). نیازهای متعالی انسان از نگاه قرآن.
پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۱۴، ۱۰۱ - ۱۲۹.

نوری، نجیب‌الله و همکاران (۱۳۹۵). مؤلفه‌های فرایندی و ساختار هویت دینی بر پایه منابع
اسلامی. اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۰(۴)، ۷ - ۲۶.
وجدانی، فاطمه و ایمانی، محسن (۱۳۹۲). تحلیل مفهوم «رشد» با تکیه بر آیات قرآن کریم.
پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۰(۱۶)، ۱۱ - ۳۵.

- Albano, G., Giorno, V., Román-Román, P. & Torres-Ruiz, F. (2022). Study of a general growth model. *Communications in Nonlinear Science and Numerical Simulation*, 107, 106100.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment*. Basic Books.
- Cazelli, F. (2023). A busca pelo sentido em psicologia transpessoal: a espiritualidade como dimensão constitutiva humana. *Reflexus*.
- Dhillon, J. (2025). *The Impact of Awe and Transcendence Experience on Mental Resilience*. 672-684.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. W. W. Norton & Company.
- Fazan, V., Fazan, T., Taranenko, K. & Nikolenko, V. V. (2025). Paradigm of spiritual growth of an individual: Theoretical concepts. *Educational Challenges*, 30, 175-189.
- Gerasimova, I. A., Ivanov, A. V. & Fotieva, I. V. (2023). Transcendental experience: the possibility of the intersection of theological, philosophical and scientific approaches. *Kulturai Iskustvo*, 3, 9-24.
- Hsieh, H. F. & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288.
- Khadka, C. (2022). The Evolution of Attachment Theory: From Bowlby to Modern Perspectives. 125-140.
- Koenig, H. G. (2012). *Religion, Spirituality, and Health: The Research and Clinical Implications*. ISRN Psychiatry, 2012, 278730.
- Kohlberg, L. (1981). *Essays on moral development: Vol. I. The philosophy of moral development*. Harper & Row.
- Kozlova, A., Nych, T., Drobot, O., Liashenko, R. & Cheban, O. (2024). The influence of society and social groups on the development of personality. *Multidisciplinary Reviews*, 7, 2024spe035.



- London, M., Sessa, V. I. & Shelley, L. A. (2022). Developing Self-Awareness: Learning Processes for Self- and Interpersonal Growth. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*, 10(1), 261-288.
- Malik, F. & Marwaha, R. (2025). *Cognitive Development*. In *StatPearls*. Treasure Island (FL): StatPearls Publishing.
- Nepal, M. (2019). Apprehension of Kant's Transcendental Argument: An Analysis. *Nepal Law Review*, 28(1-2), 415-433.
- Piaget, J. (1952). *The origins of intelligence in children* (M. Cook, Trans.). International Universities Press. (Original work published 1936)
- Qodirova, O. M. qizi. (2024). Basic concepts and preliminary concepts of developmental psychology. *American Journal Of Social Sciences And Humanity Research*, 4(8), 297-299.
- Santrock, J. W. (2020). *A topical approach to life-span development* (10th ed.). McGraw-Hill.
- Saunders, J. & Sticker, M. (2020). Moral education and transcendental idealism. *Archiv Für Geschichte Der Philosophie*, 102(4), 646-673.
- Tekke, M. (2019). The Highest Levels of Maslow's Hierarchical Needs: Self-actualization and Self-transcendence. *Eğitimde Nitel Araştırmalar Dergisi*, 7(4), 1-9.
- Weidmann, R. & Chopik, W. J. (2023). Explicating narrow and broad conceptualizations of environmental influences on personality. *Journal of Personality*, 92, 5-15.
- Worth, P. & Smith, M. D. (2021). Clearing the Pathways to Self-Transcendence. *Frontiers in Psychology*, 12, 648381.